

تاریخ اندیشه سیاسی

فروغی و بنیاد لیبرالیسم ایرانی

رامین جهانگلوی ترجمه: حسین فراستخاه	
بخش اول	
در برهه میان فرهنگ‌های ستی و مدرنیته، گروهی از روشنفکران قرار می‌انجیب‌گیری برای گذار از سنت‌گرایی به نوسازی (مدرنیزاسیون) هستند. تقریباً همواره این روشنفکران حسی از وابستگی را القا می‌کنند که اساساً از احساسات ناسیونالیستی آنان ناشی می‌شود و نیز حسی از اضطراب که پیامد باورشان به نوسازی به مثابه اصلی است که از طریق آن پیشرفت و استقلال سرزمین‌شان می‌تواند تضمین شود. رویارویی روشنفکران ایرانی با این قبیل دواهری‌ها از نیمه دوم قرن نوزدهم آغاز شد. این مسئله همچنین در دوره خطیری از تاریخ معاصر ایران در مورد نسل دوم روشنفکران ایرانی روی داد. این امر، در هیچ کجا نمی‌تواند روشن‌تر از زمانی باشد که در اوایل قرن بیستم در ایران دیده می‌شود؛ به‌خصوص در مورد روشنفکر و دولتمردی به نام محمدعلی فروغی. مردفرهنگ، اما در عین حال مرد سیاست. زندگی فروغی – مقام روشنفکرانه و نقش سیاسی‌اش – حکایتی است از سرشت و سرنوشت مدرنیته و لیبرالیسم در ایران. فروغی سیاستمداری لیبرال بود. هرچند که او مجال اندکی برای کاربست لیبرالیسم خود در طول حکومت رضاشاه یافت، اما یک بار وقتی که روی رضاشاه به سوی دیگر بود، فروغی نخست‌وزیر، فرصتی برای اجرای ایده‌های لیبرالی‌اش پیدا کرد. او زندانیان سیاسی را آزاد کرد، به نمایش‌های دینی اجازه فعالیت داد، مطبوعات را مجاز به انتشار آزاد و بدون سانسور کرد. شاید بتوان گفت واقع‌بینانه‌ترین و متوازن‌ترین نما از فروغی، در کتاب رهبران مشروطه ابراهیم صفایی نشان داده شده است. صفایی می‌گوید: «فروغی یک انسان لیبرال بود. او نگاهی فلسفی به زندگی داشت و هرگز غره جایگاه خود نبود. . . او افرادی را که به پژوهش و اندیشه می‌پرداختند، دینی را احترام می‌گذاشت. به همین دلیل، او در لژ فراماسونری گراند اورینت فرانسه پذیرفته شده بود. او منشی پاراسایانه و اخلاقی داشت، گرچه علیه‌اش هت‌م‌ها شکل گرفته بود. او به هیچ عنوان بدزبان نبود. . . او افرادی را که به پژوهش و اندیشه می‌پرداختند، قدردانی و تشویق می‌کرد. . . تاملات فلسفی و روح وقاد، او را از وسعت نظری برخوردار ساخته بود که موقعیت‌های ظاهری و موقتی را واقعی نمی‌نهاد و از این رو زمانی از سوی او متوجه کسی نمی‌شد. » پس از مرگ فروغی، دیگر به ندرت فیلسوف – دولتمردی مانند او ظهور کرد. از این رو به گزافه نیست اگر فروغی را یکی از بنیانگذاران لیبرالیسم ایرانی بنامیم.	
دفاع فروغی از ارزش‌های لیبرال با علاقه او به هنجارهای فلسفی تمدن غربی، رابطه تنگتنگی داشت. نکته مهمی در اینجا قابل ذکر است و آن اینکه فروغی، در عین حال که شارح شگفت‌آور میراث ادبی پارسی بود، خواننده موشکاف رمانی افلاطون و ارسطو نیز بود. چنان‌که به قول جیبب گیاهی (ویراستار کتاب فروغی با عنوان حکمت سقراط و افلاطون): « فروغی خود را چنان ژرف در اندیشه‌های این دو فیلسوف تعمید داده که به طور طبیعی و بی‌هیچ ادعایی، آموزه‌های آنان را در امور خود به کار بسته است.» در سال ۱۹۲۲ (مقارن با ۱۳۰۰ شمسی) فروغی پرواژه‌ترین و مشهورترین اثر فلسفی خود با عنوان سیر حکمت در اروپا را منتشر کرد. وقتی فروغی تالیف این کتاب را آغاز کرد، قصدش ترجمه گنتاری در باب روش رنه دکارت بود، اما پس از ترجمه این اثر به فارسی، او دریافت که این رساله کامل نخواهد بود مگر آنکه توجه شایانی به تکوین و تطور فلسفی پیش از دکارت مبدول شود. از آن رو، وی دیپاچه‌ای بلند بر جبین کتابش نهاد که در آن به طور خلاصه در باب تحول تاریخی فلسفه از پیدایش در یونان باستان تا رسیدن به زمان دکارت سخن گفت. در چاپ ۱۹۴۱ (۱۳۱۹ شمسی) این کتاب بسط قابل توجهی مشتمل بر تحول تاریخی فلسفه در اروپا را به خود دید که از آغاز قرن نوزدهم شروع شده و در اوایل قرن بیستم به پایان می‌رسد. تمایل فروغی به دکارت به عنوان پایه گذار فلسفه نوین و فیلسوف بزرگ سوئدکویتبه دلیل بلی نبود. برای فروغی، دکارت پیشاهنگ روشنگری بود و در نگاه او روشنگری اصالتاً به معنای رهایی «فرد‌های انسانی از بندهای به خود بسته به سوی توانایی و تفویض مسئولیت به هر فرد برای دآوری خودبندیا و خودآگاه‌هاست. در نظر فروغی، روشنگری رهایی بخشی نوع بشر انگاشته می‌شد و خودبندیا‌ی به معنای مخالفت با اقتدار، معیار فرهنگ نوین تلقی می‌گردید. بر اساس دیدگاه فروغی، برای رواج روشنگری در ایران، هم‌آی مردمان تحت یک نظام لیبرالی است. پیش و بیش از هر چیز در اندیشه فروغی، ایده ضرورت ترقی موح می‌زند و این واقعیت که پیشرفت در غرب، اساساً به اعتبار یک بازسازی لیبرالی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده‌است. از این بازسازی – که به گمان فروغی عامل اصلی پیشرفت‌ها و موفقیت‌های علمی و فناوریانه تمدن غربی است – در ایجاد سیستمی برای مدیریت تمام زمینه‌های مبتنی بر فرایند تکاملی نهفته است. در مقاله کوتاه‌اش با عنوان اندیشه دور و دراز، فروغی آینده بشر را در چندین قرن بعد براساس نظر به تکرار، که به معترف به باور آن است، پیش‌بینی می‌کند. به عقیده وی، پیشرفت در علم و فناوری به چنان درجه‌ای خواهد رسید که مغز آدمی را از بخش عمده کارکردهای عزیزی رها سازد و بدین گونه او به اجازه دهد تا خود را بهتر درگیر فعالیت‌های خردمندانه و معنوی کند. نتیجه نتایج همه اینها چنین خواهد بود که «فاصله‌ها و موانعی که امروزه میان مردمان و اهدافشان وجود دارد، بیش از این دیگر نمانند. . . و هر‌ها به اتحاد برسند، امثال بچه‌گانه امروز ترک شوند و معرفت بشر نسبت به جهان آفرینش کامل‌تر شود و منافع او از آن فرو، یابد.»	

بند ۱۴ قانون اساسی جدید عراق –

که در زرفراندوم سراسری در ۱۵ اکتبر تصویب شد– بیان می‌دارد که «عراقی‌ها بدون تبعیض جنسیتی» در برابر قانون مساوی هستند. البته این قانون همچنین ذکر کرده قانونی که برخلاف «قوانین مستقر و تثبیت شده» اسلام باشد نمی‌تواند تصویب شود. به همین دلیل این سند جدید به وسیله منتقدین دخیل و خارج عراق به مثابه چرخشی اساسی به عقب برای اکثریت عراقیان– و عمدتاً زنان– مورد تحریم و مخالفت قرار گرفت. بنا به گفته اندیشمندان عراقی «ایسام الخفاجی» این سند «به راحتی می‌تواند زنان را از حقوق‌شان محروم کند.» یانار محمد، فعال برجسته عراقی و رئیس سازمان آزادی زنان در عراق، نگران این است که شرایط و مقتضیات، عراق را «به افغانستانی تحت حکومت طالبان تبدیل کند که سرکوب و تبعیض در مورد زنان نهادینه شد.»

ابهام در قانون اساسی جدید دلیل این نگرانی است. محوریت قانون اسلام در این سند، لزوماً به معنی مشکل برای زنان عراقی نیست. در واقع در شریعت به روی تفاسیر و درک گسترده باز است و امروزه در سراسر دنیای اسلام، مسلمانان پیشرو و روشنفکر به دنبال تفسیر قوانین اسلامی هستند تا نقش مدرنی برای زنان در نظر گرفته شود. قانون اساسی عراق مشخص نمی‌کند چه کسی تصمیم می‌گیرد که چه برداشتی از اسلام در سیستم قانونی جدید این کشور غالب خواهد شد. اما نبرد آغاز شده است. پیروزی اندیشمندان و اصلاح طلبان تأثیرات مثبتی بر تمام جوانب آینده عراق خواهد داشت چرا که حقوق زنان برای انسجام دموکراتیک در جوامع سنتی و جنگ زده بسیار اساسی است. مجاز ساختن یک نقش کاملاً اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای زنان در عراق، گذار این کشور به دموکراسی باثبات را تضمین خواهد کرد. موقعیت زنان در عراق در سراسر دنیای مسلمان منعکس خواهد شد. در هر کشوری که قانون شریعت پیاده می‌شود، حقوق زنان یک مسئله بسیار مهم است و توازن برانگیخته شده میان «سنت» و «تساوی» در عراق بر این مباحث اثر خواهد گذاشت.

در بسیاری از کشورهای اسلامی، اصلاح طلبان به‌طور گسترده‌ای تلاش برای جایگزین کردن شریعت با قانون سکولار را رها کرده‌اند؛ مسیری که قویاً پیهودگی آن اثبات شده است. در عوض، آنها در حال تلاش برای ارتقای حقوق زنان در چارچوبی اسلامی هستند. این رویکرد به احتمال زیاد موفقیت‌آمیز به‌نظر می‌رسد، چراکه الهیات با الهیات به مبارزه می‌پردازد، یک استراتژی طبیعی در کشورهایی با ملتی محافظه‌کار و اقتدار مذهبی که به چالش کشیدن آن دشوار است. اکنون که ایالات متحده نطفه کی دولت اسلامی را در عراق ایجاد کرده، مقامات آمریکایی – به دلایل مشابه – باید عاقل بوده و به‌طور گسترده‌ای فراتر از هم سخنان سکولار خویش حرکت کنند. اگر واشینگتن همچنان امیدوار به ایجاد رژیم نسبتاً لیبرالی در عراق است، باید با مسلمانان مذهبی اندیشمند برای پیشرفت و بسط نقش زنان از طریق کانال‌های مذهبی همکاری و تعامل کند.

■ بازنگری در قانون

شریعت مجموعه‌ای از قوانین اسلامی است که به وسیله دانشمندان مذهبی (فقیهان) پس از رحلت پیامبر اسلام بسط و توسعه یافت. شریعت که به معنای فراهم آوردن دستورالعمل‌های قانونی و اخلاقی برای مسلمانان است، بر قرآن و سنت متکی است. (منظور از سنت، رسوم و سنت‌های ثبت شده یا کردار و رفتار پیامبر است.) در قرآن حدود ۸۰ آیه وجود دارد که مربوط به مسائل حقوقی است. بسیاری از این آیات به نقش زنان در جامعه و مسائل مهم زندگی مثل ازدواج، طلاق و ارث اشاره دارد.

بدین دلیل که قرآن و سنت بسیاری از مسائل مستحذئه را پوشش نمی‌دهند، پس از رحلت پیامبر، فقیهان ابزارهای دیگری برای پوشش دهی به این مسائل به وجود آوردند. به عنوان آخرین اقدام، فقیهان واجد صلاحیت می‌توانند پرسش‌هایی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند، اجتهاد به کار برند و فتواهای غیرالزام‌آوری را صادر کنند. در قرن یازدهم، علمای سنی برای افزودن بر نظارت خود، قضاوت‌های خود را بر مبنای مکاتب مختلف فقه اسلامی شکل داده و اجتهاد را تحریم کردند. با بستن در بر روی تفاسیر مختلف، سنت‌گرایان موضع محافظه‌کارانه خود را بر حقوق معمول اسلامی تحمیل کرده و این همچنان راکد باقی مانده و به طول انجامید.

در هر حال، برخی دانشمندان همچنان به دنبال پاسخ‌هایی اسلامی به پرسش‌های زندگی مدرن هستند. برخلاف ادعاهای سکولاریست‌هایی که سازگاری اسلام و برداشتی مدرن از حقوق زنان را انکار می‌کنند، نگرش‌های اسلامی در مورد این پرسش‌ها واقعاً و به‌طور گسترده‌ای متفاوت است. بنا به گفته «فمینیسیت‌های اسلامی» اسلام که مذهبی واقعاً پیشرفته و دموکرات برای زنان است، به‌طور شگرفی در عصر خود برابر و متساوی بود و کماکان در برخی از متون مقدسش نیز چنین است. آنها بیان می‌دارند که قوانین اسلامی به تدریج به‌گونه‌ای بسط یافته‌اند که برای برابری جنسیتی

علوم سیاسی



شریعت اسلامی و حقوق زنان در عراق جدید

دو قاعده برای یک قانون

ایزابل کولمن* ترجمه: محمدحسین باقی	
بخش اول	
هر چند قانون اساسی جدید عراق اسلام را به عنوان «قانون سرزمین عراق» معرفی کرده اما پرسش‌ها در مورد اجرای چنین امری همچنان باقی است. این به معنای ایجاد مشکل برای زنان عراقی نیست چرا که امکان تفاسیر گسترده از «شرع» وجود دارد، تفاسیری که کاملاً برابر و متساویانه است. اگر واشینگتن خواهان نظمی لیبرال در عراق است، باید با روشنفکران مسلمان برای پیشرفت حقوق زنان از طریق کانال‌های مذهبی همکاری کند.	

آسیب‌پذیر می‌نماید نه بدین دلیل که آشکارا بدان مسیر اشاره دارد بلکه به علت تفسیرهای گزینشی رهبران مردسالار و ترکیب آموزش‌های اسلامی با رسوم قبیله‌ای و سنت‌ها. فمینیسیت‌های اسلامی اکنون به دنبال احیای برابری هدیه شده به زنان در سال‌های اولیه مذهب با بازخوانی و بازتفسیر قرآن هستند با حفظ و صیانت قرآن در متن و جدا کردن آن از اعمال قبیله‌ای. در میان پیشروان فمینیسیم اسلامی افرادی همچون «فاطمه مرینیسی» نویسنده مارکشی و «رفت حسن» دانشمند پاکستانی به چشم می‌خورند– هر چند که هیچ کدام از عنوان فمینیسیم اسلامی احساس رضایت ندارند. در واقع بسیاری از اندیشمندان مذهبی ترجیح می‌دهند که میان خود و عنوان فمینیسیم که برداشت‌های فرهنگی غربی با عنوان همراه می‌آورد، فاصله بگذارند. این دانشمندان خود را به مثابه مسلمانانی می‌نگرند که به دنبال حقوق زنان در چارچوب گفتمانی اسلامی هستند. حرکت آنها که در دنیا پوشش داده می‌شود، در حال رشد و به‌طور روزافزونی خلاقانه است. بسیاری از نمایندگان مهم این رویکرد، مردانی هستند که بدانشمندان اسلامی همچون حسین محمد در اندونزی که شأن بالای او اعتبار زیادی به آنها می‌دهد، را متمایز می‌کند.

فمینیسیت‌های اسلامی به این تمایل دارند که کار خود را بر حوزه حساس قانون خانوادگی متمرکز کنند، چرا که این حوزه، حوزه‌ای حقوقی است که بیشترین تأثیر را بر زندگی روزانه زنان می‌گذارد. همچنین این حوزه فضای بسیاری برای تفسیر هم مرد و هم زن به‌طور مساوی از ارث بهره‌مند گردند. اما این قانون نقش مهمی در مدرنیزه کردن نقش زنان در جامعه عراق داشت. تحت حکومت یعنی‌های سکولار– و اگر چه ظالم– زنان عراقی در حوزه‌های بسیاری مثل آموزش و استخدام پیشرفت‌های مهمی کسب کردند. اما این قانون نقش مهمی در مدرنیزه کردن نقش زنان در جامعه عراق داشت. تحت حکومت یعنی‌های سکولار– و اگر چه ظالم– زنان عراقی در حوزه‌های بسیاری مثل آموزش و استخدام پیشرفت‌های مهمی کسب کردند. اما این قانون نقش مهمی در مدرنیزه کردن نقش زنان در جامعه عراق داشت. تحت حکومت یعنی‌های سکولار– و اگر چه ظالم– زنان عراقی در حوزه‌های بسیاری مثل آموزش و استخدام پیشرفت‌های مهمی کسب کردند.

فمینیسیت‌های اسلامی تمایل دارند که کار خود را بر حوزه حساس قانون خانواده متمرکز کنند، چرا که این حوزه، حوزه‌ای حقوقی است که بیشترین تأثیر را بر زندگی روزانه زنان می‌گذارد.

همچنین ذکر می‌کنند که این قانون در جوامع سنتی اسلامی معنا می‌یابد، جایی که زنان هیچ تعهد مالی ندارند. اما امروزه اسلام استدلال می‌کنند در حالی که بسیاری از زنان مسلمان درآمدی دارند و مردان همیشه حمایت لازم را به عمل نمی‌آورند، مهم است که قانون را جهت تغییر شرایط بپذیریم.

قرآن به نظر می‌رسد حاوی بسیاری از متن‌های چندوجهی است و فمینیسیت‌های اسلامی برخلاف سنت‌گرایان تمایل بر این دارند که بر آیات مختلف تأکید کنند. برای مثال در مورد موضوع حساس فتنه‌م‌سری، که آیه از قرآن می‌گوید: «با زنانی ازدواج کنید که برای شما حلال و قانونی هستند و می‌توانید تا دو، سه یا چهار همسر اختیار کنید به شرطی که با همه آنها به عدالت رفتار کنید.» سپس در قسمت دیگری قرآن می‌گوید: «در هر صورت نمی‌توانید با همسران خود به عدالت رفتار کنید.» امروزه بسیاری از دانشمندان اسلامی این دو آیه را که به عنوان تصریح و حمایتی موثر از تک‌همسری است، با مهدیگر در نظر می‌گیرند. از سوی دیگر در بسیاری از جوامع قبیله‌ای به تنهایی بر آیه پیشین چندهمسری تکیه می‌کنند و آن را به عنوان توجیهی برای اختیار کردن چند همسر ذکر می‌کنند. قوانین مربوط به حجاب نیز عمدتاً همین‌طور است. حجاب آشکارا سنتی در عربستان پیش از اسلام بود، جایی که حجاب به عنوان مزیت تلقی می‌شد. (در مجموع، تنها زنانی که در مزاج کار نمی‌کردند، حجاب بر سر و صورت می‌گذاشتند.) وقتی قرآن از حجاب سخن به میان می‌آورد، اشاره به همسران محمد(ص) دارد. در آیه حجاب آمده است: «مسلمانان، وارد خانه پیامبر نشوید. . .

سرانجام به قطعنامه شورای حکومتی عراق رأی داد. اما تمایلات رهبران شیعه محافظه‌کار و قدرتمند عراقی– که موکداً بر حضور شریعت در تمام مسائل قانونی تصریح داشتند– کاملاً آشکار گردید.

■ مسجد و دولت

این تصمیم به هدف جدیدی رهنمون شد یعنی قانون اساسی عراق. «شریعت» به سرعت به چالش برانگیزترین موضوعی بدل گردید که کمیته بررسی با آن مواجه بود. رهبران میانه رو شیعه همچون «آیت‌الله علی سیستانی» نظرشان این است که نمی‌خواهند از سیستم کشورهای همسایه کپی برداری کنند اما پس از سال‌ها سرکوبی توسط صدام، شیعیان در هر حال مصر بودند که در دولت بازسازی شده عراق، نقشی اساسی به مذهب اسلام داده شود. در بیانیه

آگوست سال ۲۰۰۳، سیستانی اعلام کرد که «واقعیات مذهبی، اصول اخلاقی مردم عراق و ارزش‌های ارزشمند اجتماعی باید ستون اصلی قانون اساسی آینده عراق باشد».

کردها و سنای سکولار در مورد دور نگه داشتن مذهب از حکومت از هیچ کوششی فروگذار نکرده و بسیار غیرقابل انعطاف بودند. جلال طالبانی در مصاحبه با خبرنگاری در اوایل سال ۲۰۰۵ (مدت زمانی کوتاه قبل از ریاست جمهوری وی) بر این امر پافشاری می‌کرد که «ما هیچ دولت مذهبی در عراق را نمی‌پذیریم. این خط قرمز ماست.» «میسون الدملوجی» رئیس گروه زنان مستقل عراق اظهار نگرانی کرد که «تفسیر قانون شریعت ما را متوقف می‌سازد.» اما آرا نشان می‌دهد که اکثریت عراقیانی که شریعت را تصدیق می‌کنند، واقعاً در این مورد هیچ پرسشی ندارند.

ترکیب کمیته قانون اساسی، بازتاب دهنده نتایج انتخابات ملی ژانویه ۲۰۰۵ بود. تقریباً نیمی از ۵۵ عضو از ائتلاف یکپارچه شیعه عراق و نیمه دیگر از اتحادیه میهنی و حزب دموکراتیک کردستان برخاسته بودند. از هشت زن موجود در این کمیته، پنج نفر نماینده ائتلاف یکپارچه و دو نفر نماینده کردها و تنها یک نفر– به نام دکتر رجال‌الخزاعی– مستقل بود. این کمیته ماه‌ها بر روی این مسئله بحث کرد که آیا اسلام منبع قانون‌گذاری برای کشور باشد (همانگونه که احزاب مذهبی خواستار بودند) یا تنها یک منبع توافقی که به وسیله کردها یا سایر سکولاریست‌ها دنبال می‌گردید. این مخالفت تا زمان اتمام مهلت (ضرب‌الاجل) قانونی ۱۵ دسامبر حل نگردید و این بحث تا مدت‌ها ادامه داشت. رهبران شیعه همچنان در مورد مذهب سرسخت بودند و اعلام نظر کردند که مذاکرات را در صورتی که نقشی محوری برای مذهب در قانون اساسی در نظر گرفته نشود، رها خواهند کرد. هر چه این مباحث بیشتر به طول می‌انجامید، زلمای حیل زاد سفیر آمریکا سرانجام مجبور به مداخله شد تا از رسیدن به بی‌بست جلوگیری کند. وی برای کسب امتیاز در حوزه‌های دیگر از شرایطی حمایت کرد که اثربخشی اسلام را تقویت می‌کرد. در نهایت کردها هم موافقت کردند، هم بدین خاطر که آنها اولویت‌های دیگری برای تعریف داشتند و هم بدین خاطر که فهمیدند شیعه‌ها می‌محافظه‌کار تسلیم نخواهند شد.

بند ۲ بازنگری نهایی قانون اساسی، اسلام را مذهب رسمی دولت قرار داده و آن را به عنوان منبع اساسی قانون‌گذاری معرفی می‌کند و می‌گوید که هیچ قانونی را نمی‌توان تصویب کرد که در تضاد با حاکمیت «مطلق» قانون اسلام باشد. تفسیر این شرط به عهده دادگاه عالی است که براساس قانون اساسی جدید ممکن است شامل درخواهین نیز شود؛ تعداد و شیوه انتخابشان مشخص نیست اما به وسیله قانون بعدی که باید به وسیله دو سوم اکثریت پارلمان پذیرفته شود تعریف خواهد شد. حامیان زنان همچنین از بند ۳۹ نگران هستند، بندی که با قانون شان فردی در ارتباط است.

همانگونه که به دلیل درگیری در شورای حکومتی عراق پیش‌بینی می‌شد، بند ۳۹ بر این است که «عراقی‌ها در شأن شخصی خویش براساس مذهب‌شان، فرقه‌ها، عقاید و انتخاب‌هایشان آزاد هستند» اما آن را به قانون بعدی واگذار می‌کند که تعریف کند که آن به چه معنا است. اگر رهبران شیعه به درستی خواهان شرایطی باشند که عراقی‌ها آزادی انتخاب بدهد– یعنی به شیعیان اجازه دهد که تحت قوانین شیعی و سنیان تحت قوانین سنی زندگی کنند– قانون ۱۹۵۹ برای کسانی که خواهان آن هستند در کتاب‌ها حفظ خواهد شد. مجاز ساختن چنین آزادی‌ای می‌تواند منجر به سیستمی نسبتاً معتدل و میانه (و نه استثنایی در منطقه) شود، که تحت آن سیستم عراقی‌ها با پرسش‌هایی قانونی می‌توانند از میان قوانین مختلف و سیستم‌های حقوقی– سنی، سکولار و شیعی– یکی را برگزینند یعنی آنچه را که فکر می‌کنند می‌تواند بیشترین علاج مشکلاتشان باشد.

عدنان پاچه‌چی– نخست‌وزیر سابق عراق و رهبر سنی سکولار– در آگوست در مصاحبه‌ای با نیویورک تایمز گفت که هر چند که وی با بیشتر قانون اساسی جدید موافقت کرده اما به‌خاطر شرایط بیشتر فعلی مصوب‌اش به مشکل افتاده است. «عضو ارشد شورای روابط خارجی آمریکا متیع: فارن‌افرز– ژانویه و فوریه ۲۰۰۶

سال سوم ■ شماره ۷۸۴ شرق

نگاه روشنفکر

نامه‌ای به چپ آمریکایی

برنارد هانری لوی
ترجمه: علی جابی

برنارد هانری لوی روشنفکر و نویسنده فرانسوی به مناسبت دویستمین سالگرد انتشار کتاب آلکسی دوتوکویل با نام «دموکراسی در آمریکا» سفری به آمریکا انجام داد و کتابی هم با نام «در جای پای آلکسی دوتوکویل» نوشت، این نامه سرگشاده هم محصول این سفر است.

هیچ چیز در طول سفرم به آمریکا بیشتر از وضعیت نیمه‌اعمای که چپ آمریکا را گرفتار آن یافت، بر من تأثیر نگذاشت. البته می‌دانم که «چپ» در آمریکا همان معنا و شعبه‌هایی را ندارد که چپ فرانسه دارای آن است و نمی‌توانم تعداد مواردی را که به من گفته شد که «چپ» راستین به معنای اروپایی‌اش هرگز در ایالات متحده وجود نداشته به شمارش درآورم.

در هر حال دوستان پیشرو آمریکایی من، شما ممکن است ایده‌هایتان را با هر اصطلاحی که می‌پسندید بنامید اما حقیقت این است که شما دارای جناح راستید.

این جناح راست، عمدتاً به شکرانه «گردان نومحافظه‌کاران» دگردیسی ایدئولوژیکی را به باز آورده است که هم چشمگیر و هم تأثیرگذار است.

هیچ‌گاه وضعیتی تا این حد متفاوت شکل نگرفته است برخلاف جناح راست، از چشم «چپ» بر آمریکا نوعی بهروت حکمفرما است، سکوتی کرکننده، خلاء کیهانی ایدئولوژیکی که برای یک خواننده آثار ویمین یا تورو، کاملاً غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نومیدانه به فرمول‌های قدیمی دوران کندی چسبیده‌اند، جماعت MoveOn.org را در وارد کردن مردم در فهرست‌های انتخاباتی، در اعتراض برضد جنگ در عراق و نهایتاً در تجدید حیات بخشیدن به سیاست بسیار فعال بوده‌اند، اما در برکلی از آنها شنیدم که مانند پوپرتین‌هایی از نوع جدید، با خطاهای یک رئیس‌جمهور «انتخاب‌گرا» غیرعادی است. دموکرات‌های «جوان» شصت‌ساله که نوم